

مشاهیر علوی مدفون در بقیع

محمد مهدی فقیه محمدی جلالی (بحرالعلوم) *

چکیده

شاید صدها تن از بزرگان اهل بیت و فرزندان و نوادگانش در قبرستان بقیع آرمیده باشند. اکنون در این مقاله به معرفی اجمالی حدود پنجاه نفر از علویان مدفون در بقیع در قرن های مختلف، به ترتیب تاریخ وفات، می پردازیم. شناخت مدفونان بقیع، راهگشای تحلیل های پسینی درباره گونه شناسی مدفونان و جایگاه بقیع در باور گرایش های مختلف اسلامی در طول تاریخ و آداب و رسوم مرتبط با آنان در زیارت بقیع است.

کلمات کلیدی: بقیع، مدفونان بقیع، علویان، اشراف، فرزندان ائمه علیهم السلام

مقدمه

بقیع، قبرستان قدیمی مدینه است که بهترین عزیزان پیامبر و سربازان فداکار اسلام، در آنجا مدفون اند و در گذشته بیشتر آنها سنگ قبر، محجر و نشانه و حتی گنبد و بارگاه داشته است. همچنین بسیاری از شخصیت های برجسته و افراد والا مقام، که از صدر اسلام تاکنون در این سرزمین مقدس آرمیده اند، و قبورشان مجهول است؛ قبوری که چنانچه، هر یک از آنها در دیگر بلاد اسلامی قرار داشت، آن چنان آباد و مجلل می بود که چهره آن شهر را عوض می کرد. سمهودی در «وفاء الوفا» از مالک روایت کرده است: «در این آرامگاه،

ده هزار نفر از صحابه گرامی و اکابر اسلام مدفون‌اند» (سمهودی، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص ۲۳۷) لیکن قبور تعدادی از آنها مخفی است و برخی دیگر هم که معلوم بوده ولی به مرور زمان از بین رفته و متأسفانه بسیاری از آنها را هم در این قرن اخیر از میان برده‌اند.

«رفعت پاشا» نویسنده «مرآة الحرمین» عقیده دارد: «بیش از دو هزار نفر از اصحاب و تابعین، در این قبرستان دفن شده‌اند» (رفعت پاشا، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۱۳)

در گذشته، بقیع و مرقده امامان معصوم علیهم‌السلام عموماً دارای بقعه و گنبد و بارگاه بوده است و لیکن در سال‌های اخیر همه آنها تخریب گردیده و هم‌اکنون هیچ آثاری از آنها، جز چند قطعه سنگ که در بالا و پایین قبور گذاشته شده، وجود ندارد. از آنجا که طبقه اول ائمه و صحابه و اهل بیت در نوشته‌های مختلف معرفی شده‌اند، در اینجا به معرفی دیگر علویان مدفون در بقیع، که کمتر فهرست شده‌اند، می‌پردازیم:

مقبره‌های خانوادگی در بقیع

از مجموع گفتار مورخان چنین برداشت می‌شود که مردم مدینه - که قبلاً اجساد در گذشتگان خود را در نقاط مختلف و در دو گورستان عمومی به نام گورستان «بنی حرام» و «بنی سالم»، و گاهی در داخل منازل خود دفن می‌کردند - با رسمیت یافتن بقیع، به مناسبت دفن جسد عثمان بن مظعون رضی الله عنه و ابراهیم فرزند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، به آنجا توجه نمودند و عده‌ای از صحابه و یاران پیامبر خدا به تدریج در آنجا، و بعضی از اقوام و عشیره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در داخل بعضی از منازل متصل به بقیع دفن شدند.

با اینکه وضع بقیع، با گذشت چهارده قرن، دگرگون شده و از قبور زیادی که در این آرامگاه تاریخی به افراد معروف از صحابه و شخصیت‌های اسلامی تعلق داشت، به جز تعدادی محدود، باقی نمانده است، ولی در عین حال، همین تعداد از قبور نیز می‌تواند مؤید گفتار این مورخان، و بیانگر نظم و ترتیب موجود در آن دوران باشد؛ زیرا گذشته از اینکه قبور همه اقوام پیامبر خدا در قسمت غربی بقیع واقع شده است، هر گروه از آنان نیز به تناسب ارتباطشان با همدیگر و انتسابشان به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در یک نقطه معین و جایگاه مخصوص و در کنار هم دفن شده‌اند؛ مثلاً قبور ائمه چهارگانه با قبر عباس و فاطمه بنت اسد در یک نقطه و در کنار هم، و همه همسران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در یک نقطه معین و در کنار هم، و رقیه و ام کلثوم دختران پیامبر

در کنار هم، و عمه‌های آن حضرت با ام‌البین در کنار هم است که مجموع این بخش به نام «مقابر بنی‌هاشم» معروف گردیده است؛ همان‌گونه که سایر بخش‌های مختلف بقیع نیز به نام‌های خاصی نامیده شد؛ مانند «روحاء» و «زوراء»^۱.

جالب توجه است که در میان این چند خانه،^۲ تنها خانه عقیل بن ابی طالب دارای اهمیت و خصوصیت ممتاز است؛ به طوری که این خانه مورد توجه پیامبر خدا ﷺ و افراد سرشناس پس از آن حضرت بود و نیز معرفی منازل دیگر در جهت معرفی خانه عقیل و در حول محور آن انجام می‌گرفت.

این اهمیت و خصوصیت از اینجا به وجود آمد که این خانه، گرچه از نظر ساختمانی، یک خانه مسکونی و منتسب به عقیل بن ابی طالب بوده، اما در عین حال به آرامگاه خصوصی و خانوادگی اقوام و فرزندان پیامبر خدا مبدل گردید. اولین کسی که در داخل آن دفن شد، فاطمه بنت اسد،^۳ و به احتمال ضعیف فاطمه دختر پیامبر خدا ﷺ و پس از آن، عباس عموی پیامبر است. پس از آنها پیکر پاک و مطهر چهار تن از ائمه هدی علیهم‌السلام و فرزندان پیامبر خدا ﷺ در این بیت به خاک سپرده شد. این موضوع از مسلمات تاریخ است و دیده نشده که مورخ و مدینه‌شناسی در اصل این مطلب، شک و تردید یا نظر مخالفی داشته باشد؛ مگر در مورد قبر متعلق به فاطمه که آیا منظور از وی فاطمه بنت اسد است یا فاطمه، دختر گرامی پیامبر خدا ﷺ که خارج از موضوع این مقاله است.

در اینجا به شماری از علویان که در قبرستان بقیع دفن شده‌اند، اشاره می‌شود:

۱. «روحاء»، جایگاه انبساط و راحتی، و «زوراء»، محل توجه و زیارت را گویند. روحاء بخش میانی بقیع و محلی است که قبر عثمان بن مظعون و ابراهیم فرزند پیامبر خدا ﷺ در آن قرار گرفته و این تسمیه و تغال از پیامبر خدا ﷺ بوده که به هنگام دفن عثمان بن مظعون فرمود: «هذه الروحاء» (ابن شبه، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۱۰۰).

۲. روایت‌های تاریخی نشان می‌دهد، جنة البقیع تنها برای دفن مردگان به کار گرفته نشده، بلکه افرادی، به ویژه از مهاجرین، در آن خانه ساختند و این خانه‌ها، بعدها به آرامگاه خانوادگی یا محل دفن شخصیت‌های مهم تبدیل شد. گفته شده است پیامبر این زمین‌ها را برای خانه‌سازی تقطیع کرد و در اختیار مهاجران قرار داد (سمهودی، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص ۸۳).

۳. وفات فاطمه بنت اسد، در سال چهارم، و بنا به قولی در سال ششم هجرت واقع شده است.

قرن دوم

۱. محمد حنفیه بن امام علی امیر مؤمنان علیه السلام

شهرت محمد بن حنفیه، مانع از تطویل و درازگویی درباره اوست. از آنجا که تاریخ در گذشت محمد حنفیه در سال ۸۱ قمری است و در آن هنگام ۶۵ سال داشت، به دست می آید که او در سال ۱۶ قمری به دنیا آمده است (ابن سعد، ۱۲۱۵ق، ج ۵، ص ۸۷)

در رجال کشی از حضرت علی علیه السلام نقل شده که چهار محمد، مانع نافرمانی خدا می شوند؛ این چهار محمد عبارت اند از: محمد بن جعفر طیار، محمد بن ابی بکر، محمد بن حنفیه و محمد بن ابی حذیفه (کشی، ۱۴۳۹ق، ج ۱، ص ۲۸۶) مامقانی با اشاره به این حدیث، عدالت و پاکی محمد بن حنفیه را اثبات می کند (مامقانی، ۱۳۵۱ش، ج ۳، ص ۱۱۱)

وی در نبردهای حکومت امیر مؤمنان، نقش فعالی در یاری آن حضرت داشت.

شیخ طوسی از کشی از امام باقر علیه السلام نقل کرده است: «در بیماری محمد بن حنفیه من در کنارش بودم و چشم او را بستم و غسلش دادم و کفنش کردم و نماز بر او خواندم و او را [در بقیع] به خاک سپردم» (کشی، ص ۳۱۵) البته در گزارشی از منابع غیر شیعی آمده است که ابان بن عثمان (پسر خلیفه سوم) بر وی نماز خواند (مزی، ج ۱۰، ص ۲۸۵) در محل دفن محمد بن حنفیه اختلاف است؛ سید محسن امین به سه مکان اشاره می کند: ایله، طائف و مدینه در قبرستان بقیع (امین، ج ۱۴، ص ۲۷۰) ولی مسلم است که وی در مدینه وفات یافته و در بقیع دفن شده است (مدرسی، ۱۳۵۹ش، ج ۷، ص ۴۸۴)

۲. زید بن امام حسن علیه السلام

کنیه زید، ابوالحسن یا ابوالحسین بود. وی فرزند ارشد امام حسن مجتبی علیه السلام، و مادرش ام بشیر بنت ابی مسعود البدری بود (ابن سعد، ۱۲۱۵ق، ج ۵، ص ۲۴۴)

تاریخ تولد زید، مبهم است و هیچ یک از مورخان و علمای رجال اشاره ای به آن نداشته اند. وفات وی در سال ۱۲۰ قمری بوده و در هنگام وفات ۱۰۰ یا ۹۵ یا ۹۰ سال داشته است (ابن حجر عسقلانی، ج ۳، ص ۳۵۰) پس می توان احتمال داد وی بین سالهای ۲۰ تا ۳۰ هجری متولد شده است.

به رغم گزارشی که درباره عدم حضور وی در کربلا وجود دارد، ولی مقاتل الطالبيين، که قدیمی ترین منبع درباره شهدای آل ابی طالب است، زید را جزء اسرای کربلا دانسته است (اصفهانی، ۱۳۸۵ ش، ص ۱۱۹)

زید بن حسن علیه السلام، امور مربوط به صدقات رسول الله صلی الله علیه و آله را بر عهده داشت که پس از به حکومت رسیدن سلیمان بن عبدالملک، به دستور او، از این مقام عزل شد تا هنگامی که عمر بن عبدالعزیز به خلافت رسید. خلیفه وقت نام های بدین مضمون برای عامل مدینه نوشت: «زید بن حسن علیه السلام [شخصیت] شریف بنی هاشم و مسن ترین آنان است. وقتی که این نامه به دست تو رسید، صدقات پیامبر صلی الله علیه و آله را به او بازگردان و در این کار، او را یاری کن» (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۷۶)

در مذمت وی، روایتی در بحار به نقل از خرائج راوندی آمده است که وی نزد خلیفه، امام باقر علیه السلام را متهم به سحر کرد و در شهید شدن ایشان نقش داشت. ولی آیه الله خویی این روایت را به دلیل مرسل بودن و اشکال محتوایی نمی پذیرد (راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۶۰۱)

در تاریخ وفات زید، اختلاف است. شیخ مفید گفته است که وی در سن نود سالگی وفات یافت و سید محسن امین وفات وی را در سال ۱۲۰ قمری در سن نود یا صد یا ۹۵ سالگی می داند. وی در سرزمینی میان مکه و مدینه به نام «حاجز» (در ۶ میلی مدینه) - نزدیک «ثغره»، که محلی در حجاز است - وفات یافت (عمری، ۱۴۲۲ق، ص ۲۰)

در تشییع جنازه زید، برادرزاده هایش، حسن و ابراهیم بن حسن، زیر تابوت را گرفته بودند و عبدالله بن حسن المثنی، معروف به عبدالله محض، پیشاپیش جنازه پیاده حرکت کرد و به احترام وی، دیگران نیز از مرکب پیاده شدند. جنازه را وارد منزل کردند و در آنجا غسل دادند. سپس آن را به قبرستان بقیع بردند و همان جا به خاک سپردند. پس از مرگ وی، برخی شعرا در وفاتش مرثیه ها سرودند؛ از جمله قدامة بن موسی الجحمی (بلاذری، ۱۹۵۹، ج ۳، ص ۷۳)

۳. حسن مثنی بن امام حسن مجتبی علیه السلام

مادر حسن مثنی، خَوَکَه بنت منظور بن زَبَّان فزازی بود (مصعب بن عبدالله، ۱۹۵۳م، ص ۴۶) خوله پس از کشته شدن همسرش، محمد بن طلحة بن عبیدالله، در جنگ جمل (۳۶ق.)، به همسری امام حسن علیه السلام درآمد. کنیه حسن مثنی، ابومحمد

است (ابن قتیبہ الدینوری، ۱۴۰۷ق، ص ۱۱۲) همسر او، دختر عمویش، فاطمه دختر امام حسین علیه السلام، بود.

وی در روز عاشورا در سپاه امام حسین علیه السلام جنگید و زخمی و اسیر شد. دایی اش، اسماء بن خارجه فزاری، وی را نجات داد. او در کوفه تحت درمان قرار گرفت و با بازیافتن سلامت خود، به مدینه بازگشت (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۵؛ ابن طاووس، ۱۴۱۷ق، ص ۶۳)

حسن مثنی، بر اساس وصیت امام علی علیه السلام، متولی صدقات و موقوفات امیر مؤمنان علیه السلام در مدینه بود (مصعب بن عبدالله، ۱۹۵۳م، ص ۴۶).

پس از کشته شدن ابن اشعث در سال ۸۵ قمری، حسن مثنی نیز متواری شد. سرانجام فرستادگان ولید بن عبدالملک او را مسموم کردند و به قتل رساندند. جنازه او را به مدینه منتقل کردند و در بقیع به خاک سپردند (ابن عنبه، بی تا، ص ۱۰۰).

در صحیح بخاری، ضمن روایتی نقل شده که فاطمه دختر امام حسین علیه السلام همسر حسن مثنی، بر مزار وی بقعه‌ای ساخت (صحیح بخاری، ۱۴۲۲ق، کتاب الجنائز، باب ۶۱، ج ۳، ص ۲۵۵).

۱. عبدالرحمان بن محمد بن اشعث کندی، از خانواده‌های اشرافی حضرموت است که به دلیل شورش علیه حجاج (که در بین سال‌های ۸۳۸۰ قمری / ۷۰۲۶۹۹ میلادی) به وقوع پیوست، مشهور شد. او نوه اشعث معروف بود. محمد بن اشعث، به اندازه پدر، معروف نبود، ولی در حوادث عصر خویش نقش مهمی را ایفا کرد. مادر عبدالرحمان، ام عمرو، دختر سعید بن قیس همدانی، بود. منابع می‌نویسند عبدالرحمان بود که محل پنهان شدن مسلم بن عقیل را برای عییدالله بن زیاد فاش ساخت (۶۰ق / ۶۸۰م)؛ هر چند این افشا فقط در نتیجه یک اقدام ناشیانه صورت گرفت. در سال ۶۷ قمری / ۶۸۶ میلادی، او همراه مصعب بر ضد مختار جنگید. احتمال دارد که وی به تلافی قتل پدرش، مصعب را تشویق به کشتن اسیران از یاران مختار نموده باشد یا خودش اقدام به این کار کرده باشد. رابطه بین حجاج و ابن اشعث ابتدا دوستانه بود و محمد، پسر حجاج، با دختر ابن اشعث ازدواج کرد. اما این روابط به زودی به سردی گرایید. و سپس بر علیه حجاج شورش کرد و بر اساس گزارش مسعودی، او عنوان نصیر المؤمنین (یعنی کمک کننده به مؤمنان) را به خودش داده بود (مسعودی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۶۲۶) او همچنین ادعا می‌کرد که قحطان است (شخصی که یمنی‌ها انتظار آمدنش را داشتند تا باعث تسلط دوباره آنها گردد). حجاج، او را جهت دفع شورش کابلی‌ها ارسال کرده بود، اما او دست به نافرمانی زد و کم کم بر ضد حجاج شورید و با سپاهیان خود به قصد عراق از کابل خارج شد و ابتدا در شوش با سپاه حجاج جنگید و پس از شکست او به بصره رفت و سپس حجاج با سپاهی که خلیفه اموی به او داده بود، ابن اشعث را کشت و به شورش او پایان داد (رضوی اردکانی، ۱۳۶۸ش، ص ۴۱۶-۴۱۸)

۴. فاطمه بنت امام حسین علیه السلام

مادر فاطمه، ام اسحاق - دختر طلحه، همسر قبلی امام حسن علیه السلام - بود (مفید، ۱۳۱۳ق، ج ۲، ص ۴۹۱؛ ابن سعد، ۱۲۱۵ق، ج ۳، ص ۲۱۴) وی، به احتمال قوی، در سال ۵۱ قمری به دنیا آمده است، او را بزرگ‌ترین دختر امام حسین علیه السلام دانسته‌اند (ابن اثیر، ۱۳۸۵ش، ج ۴، ص ۸۶)

فاطمه از ازدواج با پسر عمویش، حسن مثنی، چهار فرزند به نام‌های عبدالله، ابراهیم، حسن و زینب داشت و از همسر دومش، عبدالله بن عمرو بن عثمان، دارای سه فرزند به نام‌های محمد دیاج، قاسم و رقیه بود (ابن قتیبه الدینوری، ۱۴۰۷ق، ص ۱۹۹) بیشتر فرزندان و نوادگان وی، در مبارزه با خلفای بنی عباس به شهادت رسیدند یا زندانی شدند (طبری، ۱۴۳۶ق، ج ۷، ص ۵۳۶) فاطمه را ثقه، و از طبقه چهارم راویان دانسته‌اند (ابن حجر عسقلانی، ج ۲، ص ۶۵۷) گفته شده فاطمه دختر امام حسین علیه السلام، حدود سال ۱۱۷ قمری، در مدینه درگذشته و در بقیع دفن شده است (ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۵۱؛ ابوسعیده، ۲۰۰۴م، ص ۹۶) همچنین برخی از مورخان، بدون اشاره به تاریخ وفات، گفته‌اند او در هنگام وفات، نود سال داشته است (ابن حبان، ۱۹۷۳م، ج ۵، ص ۳۰۱) نیز گفته‌اند وی در زمان خلافت هشام بن عبدالملک (حکومت: ۱۰۵-۱۲۵ق.) درگذشت، قبری در قبرستان باب الصغیر، به وی منسوب است (خامه یار، ۱۳۹۰ش، صص ۸۷-۱۲۶)

۵. سکینه بنت امام حسین علیه السلام

سکینه دختر امام حسین علیه السلام را باهوش‌ترین، زیباترین، خوش اخلاق‌ترین، باتقواترین و بزرگ‌ترین زنانه خویش دانسته‌اند. امام حسین علیه السلام، سکینه را بنده‌ای غرق در ذات الهی معرفی کردند که نشان‌دهنده فضل و کمال اوست (ابن خلکان، ۱۳۶۴ش، ج ۲، ص ۳۹۴)

سکینه دختر امام حسین علیه السلام، از رباب دختر امرؤالقیس بود (اصفهانی، ۱۳۸۵ق، ص ۱۹۲) نام او را آمنه، امینه و امیمه ذکر کرده‌اند و گفته‌اند به سبب سکون، آرامش و وقاری که داشت، مادرش او را سکینه لقب داده بود (ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۷، ص) زمان تولد او مشخص نیست؛ اما او را کوچک‌تر از خواهرش، فاطمه، معرفی کرده‌اند (ابن اثیر، ۱۳۸۵ش، ج ۴، ص ۸۶) از کتاب‌های تاریخی برمی‌آید سکینه در زمان حرکت امام حسین علیه السلام

به کربلا، بالغ، و در سن ازدواج بوده است؛ زیرا زمانی که حسن مثنی، یکی از دختران امام حسین را خواستگاری کرد، امام او را در انتخاب بین سکینه و فاطمه مخیر کرد (اصفهانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲۱، ص ۷۹)

در کتاب‌های رجال، از سکینه به عنوان یکی از روایان حدیث یاد شده است که برخی از او روایت نقل کرده‌اند. سکینه همراه خواهرش، فاطمه، از روایان حدیث پدر خود، امام حسین علیه السلام، به شمار می‌آیند (ابن حبان، ۱۹۷۳م، ج ۴، ص ۳۵۲) روایانی همچون عیدالله بن ابی ارفع، فائد مدنی، سکینه دختر اسماعیل بن ابی خالد و سکینه دختر قاضی ابی ذر از او روایت نقل کرده‌اند (طبرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۱۳۲)

سکینه پس از اسارت، به همراه کاروان اسرا به مدینه بازگشت. از زندگی او در مدینه تا زمان وفات، در منابع تاریخی، گزارش چندانی در دست نیست و تنها به ذکر بعضی از مناظرات و مجالس علمی اکتفا شده است (اصفهانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۶، ص ۳۶۲) چگونگی وفات و محل دفن سکینه نیز مورد اختلاف مورخان بوده است. برخی از منابع تاریخی وفات سکینه را ۵ ربیع الاول سال ۱۱۷ قمری در مدینه نقل کرده‌اند (ابن عساکر، ۱۴۲۱ق، ج ۶۹، ص ۲۱۸) بنا بر نقل این منابع، خالد بن عبدالله (حاکم وقت) بر او نماز خواند و او را در قبرستان بقیع به خاک سپردند. برخی نیز گفته‌اند وقتی سکینه با اصبع بن عبدالعزیز ازدواج کرد، از مدینه به طرف مصر حرکت کرد و در دمشق درگذشت (ابن خلکان، ۱۳۶۴ش، ج ۲، ص ۳۹۶) در قبرستان باب الصغیر دمشق، قبری منسوب به سکینه وجود دارد. عده‌ای نیز گفته‌اند پس از ازدواج با اصبع بن عبدالعزیز به مصر رفت و در آنجا مدفون شد. بقعه‌ای در قاهره نیز به سکینه بنت الحسین، منسوب است (ابن عساکر، ۱۴۲۱ق، ج ۶۹، ص ۴۲۱)

بر اساس گزارش‌های موجود در مقاتل، سکینه در واقعه کربلا حضور داشت. بنا بر نقل این منابع، در روز عاشورا، امام حسین علیه السلام برای آخرین وداع، از میدان جنگ به سوی اهل بیت خود بازگشت و با آنان وداع کرد. سپس نزد دختر خود، سکینه، رفت که در گوشه‌ای نشسته بود و می‌گریست. امام حسین علیه السلام او را به صبوری دعوت کرد و در آغوش کشید، اشک از چشمان او پاک کرد و در ضمن، اشعاری به سکینه گفت. پس از واقعه عاشورا، سکینه و دیگر اسیران کربلا را به کوفه و شام بردند (ابن طائوس، ۱۴۱۷ق، ص ۱۳۴)

۶. زینب دختر امام باقر علیه السلام

زینب از پدرش حدیث نقل می کرد و در مدینه مجلس درس و بحث داشت. وی با پسر عموی خود، عبدالله بن حسین الاصغر بن امام سجاد علیه السلام ازدواج کرد. او سرانجام در مدینه وفات نمود و در بقیع به خاک سپرده شد (زرباطی، ۱۳۸۹ش، ص ۱۵۵-۱۵۶)

۷. محمد بن عبدالله محض بن حسن مثنی بن امام حسن علیه السلام معروف به «نفس زکیه»

محمد به کثرت زهد و عبادت و فقه و دانایی معروف بود. او در سال ۱۰۰ قمری به دنیا آمد. مادرش هند، دختر ابی عبیده بن عبدالله بن زمعه، است. به دلیل آنکه در تمام سلسله والدینش کنیز وجود نداشت و سلسله مادران وی، همه از قریش بودند، به او لقب صریح قریش دادند (ابن عنبه، بی تا، ص ۸۶)

پدر وی، عبدالله محض، با نسبت دادن لقب مهدی به او، مردم را به بیعت با وی دعوت کرد. از این رو نامزد جمعی از بنی هاشم برای خلافت پس از امویان بود که با پیشی گرفتن بنی عباس به چنین مقامی نرسید؛ اما با آغاز حکومت عباسیان، حمایت عمومی در میان مردم و حتی دانشمندان و اهل حدیث برای او به وجود آمد (جعفریان، ۱۳۷۸ش، ج ۱، ص ۷۰) محمد در سال ۱۴۵ قمری خروج کرد و با ۲۵۰ نفر وارد مدینه شد و مردم، به فتوای مالک بن انس، با وی بیعت کردند. منصور او را ابتدا دعوت به صلح کرد، اما محمد نپذیرفت و با عده کمی از یارانش که هنوز بر بیعت خود پایدار بودند به نبرد سپاه خلیفه رفت و شکست خورد و سرانجام در روز دوشنبه، ۱۴ رمضان سال ۱۴۵ قمری، کشته، و در بقیع دفن شد (اصفهانی، ۱۳۸۵ق، ص ۲۵۱)

۸. حسین الاصغر بن امام علی بن الحسین السجاد علیه السلام

امام سجاد علیه السلام دو پسر به نام حسین داشت: یکی حسین اصغر و دیگری حسین اکبر (فخر رازی، ۱۳۷۷ش، ص ۱۶۱) حسین اکبر از امام باقر علیه السلام بزرگ تر بود. از این رو فرزند دیگر خود را حسین اصغر نامید. او در زهد و تقوا، شبیه پدر بزرگوارش بود (ابن طقطقی، ۱۴۱۵ق، ص ۲۸۱؛ طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۱۲)

حسین اصغر از اصحاب پدر و برادر و برادرزاده اش، امام سجاد، امام باقر (طوسی)، (۱۴۱۵ق، ص ۱۸۲) و امام صادق علیه السلام، (ابن حبان، ۱۹۷۳م، ج ۳، ص ۲۹۴) است. وی احادیث زیادی از هر سه بزرگوار و همچنین از عمه اش، فاطمه بنت الحسین علیها السلام، و از وهب بن کیسان (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۷۵) نقل کرده است (بیهقی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۸۱) حسین، مکننا به ابو عبدالله (فخر رازی، ۱۳۷۷ش، ص ۱۶۱)، مردی عفیف، فاضل، محدث، و دریای متلاطمی از دانش و پرهیزکاری و ورع (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۷۵) بود و به قرشی هاشمی، مدنی، تابعی (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۸۲) یاد می شود. از اعقاب و نوادگان او، عالمان و دانشمندان بسیاری در حجاز، عراق، شام و عراق عجم برخاسته اند (کیاء گیلانی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۱۵) از بزرگان جلیل القدر و نقبای اشراف (ابن طقطقی، ۱۴۱۵ق، ص ۲۸۱) و «سادات مرعشی؛ مازندران» و «سادات اعرجی؛ ایلام» و «سادات عیدی و مختاری؛ سبزوار» نیز نسبشان به حسین اصغر می رسد (ابن عنبه، بی تا، ص ۳۷۸)

مادر حسین اصغر، ام ولدی به نام «سعاده» است (ابن عنبه، بی تا، ص ۳۷۸) برخی، از جمله ابونصر بخاری گفته اند: «او با امام باقر علیه السلام برادر تنی بوده است» (بخاری، ۱۳۷۶ش، ص ۱۱۰) اما صحیح این است که وی با حسین اکبر از یک مادر است (فخر رازی، ۱۳۷۷ش، ص ۱۶۱)

گویند امام صادق علیه السلام درباره وی فرمود: «عمی الحسین من الذین یمشون علی الارض هونا و اذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاما» (ضامن بن شدقم، ۱۳۷۸ش، ج ۲، ص ۱۵۶)

حسین اصغر در خداترسی، بی نظیر یا کم نظیر بود؛ چنان که روایت شده به حدی می ترسید که گویی وارد آتش شده و پس از آن خارج گشته است (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۷۴-۱۷۵)

حسین اصغر در سال ۱۵۷ قمری، در ۷۷ سالگی، در مدینه درگذشت و در قبرستان بقیع دفن شد (بخاری، ۱۳۷۶ش، ص ۱۱۰) سن او را هنگام وفات ۶۴، ۷۴ و ۷۶ سال، (سخاوی، ۲۰۰۷م، ج ۱، ص ۲۹۵) و سال وفات او را ۱۵۰ قمری نیز (ضامن بن شدقم، ۱۳۷۸ش، ج ۲، ص ۱۵۵) نوشته اند. به برخی از روایات او در منابع حدیثی اشاره شده است (ابن قولویه، ۱۴۱۷ق، ص ۱۲۶ و ۱۲۷) مزاری به وی در روستای برزنون نیشابور منسوب است که صحت ندارد و یکی از نوادگان حسین اصغر در آنجا دفن است.

۹. اسماعیل بن امام صادق علیه السلام

مادرش فاطمه، دختر حسین بن علی بن حسین علیه السلام بود امام صادق علیه السلام اسماعیل را بسیار دوست داشت (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۰۹)

تاریخ تولد اسماعیل دقیقاً مشخص نیست؛ اما برخی گفته‌اند با توجه به تولد برادر او، امام کاظم علیه السلام، در سال ۱۲۸ یا ۱۲۹ قمری و اختلاف ۲۵ سال میان امام کاظم علیه السلام و اسماعیل، احتمالاً اسماعیل در سال ۱۰۳ یا ۱۰۴ قمری به دنیا آمده است.

ارتباط خطاییه با اسماعیل و دعوت ایشان به امامت وی، در بسیاری از منابع، از جمله منابع اسماعیلی، امامی و غیر شیعی نقل شده است. سعد بن عبدالله اشعری (اشعری، ۱۳۶۱ش، ص ۸۰-۸۱) و نوبختی (نوبختی، ۱۳۸۸ش، ص ۵۷-۵۹)، اسماعیلیه خالصه را همان خطاییه دانسته‌اند که گروهی از ایشان در زمره پیروان محمد بن اسماعیل درآمده و قائل به مرگ اسماعیل در زمان حیات پدر شده‌اند. ابوحاتم رازی می‌نویسد: «خطاییه در زمان امام صادق علیه السلام قائل به امامت اسماعیل بوده‌اند». به گزارش ابوحاتم رازی، (رازی، ۲۰۰۳م، ص ۲۸۹) مبارکیه قائل به مرگ اسماعیل و امامت فرزندش، محمد بن اسماعیل، در زمان حیات امام صادق علیه السلام بوده‌اند. به اعتقاد این گروه، اسماعیل جانشین امام صادق علیه السلام بوده است؛ اما چون در زمان حیات پدر فوت کرد، امام علیه السلام امر امامت را به محمد، فرزند وی، سپرد؛ زیرا پس از امام حسن و امام حسین علیه السلام جایز نیست که امامت از برادر به برادر منتقل شود (اشعری، ۱۳۶۰ش، ص ۸۱-۸۰)

۱. خطاییه، فرقه‌ای از غالیان زمان امام صادق علیه السلام به سرکردگی ابوالخطاب محمد بن ابی‌زینب بودند. اعضای این فرقه به حلول بدا و نوعی باطنی‌گرایی معتقدند. شاخه‌های پدیدآمده از آنان را تا ۵۰ فرقه شمرده‌اند.

۲. ابوحاتم احمد بن حمدان رازی ورسنانی (زاده: پشاپویه ری - مرگ: ۳۲۲ق) از مبلغان نیرومند و متکلمان زبان آور و محدثان نامدار شیعه بود که توانست نقش مهمی در شیعه شدن بخش وسیعی از مردم ری، گیلان، قزوین، طالقان، آذربایجان، اصفهان و همدان (و اساساً نواحی جبال یا عراق عجم) در اوائل قرن ۴ قمری ایفا کند. (مامقانی، ۱۳۷۱ش، ج ۱۲، ص ۳۴۱)

۳. علت نامگذاری ایشان به مبارکیه، انتساب آنان به مبارک، غلام اسماعیل، است. ایشان بر این باور بودند که پس از امام صادق علیه السلام، امامت متعلق به محمد بن اسماعیل بن صادق است؛ چراکه امامت متعلق به اسماعیل بود و چون او در زمان حیات پدرش وفات یافت، امامت در اعقاب او باقی ماند.

خویی، پس از بیان گزارش‌های مدح و ذم، روایات مدح را ترجیح می‌دهد و وی را شخصی جلیل و مورد عطف و پدر معرفی می‌کند (خویی، ۱۴۳۱ق، ج ۳، ص ۱۲۷) سال‌های ۱۳۳، ۱۳۸ و ۱۴۵ به عنوان سال وفات اسماعیل در منابع متفاوت ذکر شده است؛ اما بنا به برخی دلایل، به نظر می‌رسد سال ۱۳۸ صحیح‌تر است (عمری، ۱۴۲۲ق، ص ۱۰۰؛ مقریزی، ۱۴۱۸ق، ص ۱۵؛ قمی، ۱۳۶۱ش، ص ۲۲۴)

اسماعیل در منطقه‌ای به نام غریض، در نزدیکی مدینه، از دنیا رفت (بخاری، ۱۳۷۶ش، ص ۳۴) تابوت وی بر دوش مردم در حالی به گورستان بقیع تشییع شد (بخاری، ص ۳۴؛ علوی، ۱۴۲۲ق، ص ۱۰۰) که امام صادق علیه السلام با وضعیتی غیر معمول پیشاپیش آن حرکت می‌کرد. بر پایه روایتی از زرارة بن اعین، امام صادق علیه السلام ساعاتی پس از مرگ اسماعیل و پیش از دفن او، حدود ۳۰ تن از یاران نزدیک خود را درباره مرگ فرزندش شاهد گرفت (نعمانی، ۴۶۷-۴۶۹؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶ق، ج ۱، ص ۲۶۶)

در دوره خلفای اسماعیلی فاطمیان (۲۹۷-۵۶۷ق.)، که مهم‌ترین مروج فرقه اسماعیلیه بودند، آرامگاهی بزرگ بر قبر اسماعیل ساخته شد. مرقد اسماعیل با دیوارهایی بدون در و پنجره احاطه شده بود و در بیرون از گورستان، به فاصله پانزده متری دیوار بقیع، در جهت غرب و روبه‌روی قبرهای ائمه قرار داشت. نیمی از محوطه در خیابان و نیمی از آن در پیاده‌رو بود و زائران در پیاده‌رو به زیارت می‌پرداختند (نجمی، ۱۳۸۰ش، ص ۲۹۰-۲۸۹) این قبر، بر اساس نوشته مطری (م. ۷۴۱ق.)، مزاری بزرگ بود که در غرب قبه عباس و چهار امام قرار داشت. قبر اسماعیل از سوی محبان اهل بیت از شیعیان، به ویژه اسماعیلیه، زیارت می‌شد و بر اساس گزارش عیاشی، در قرن چهارم هجری بسیار پررونق بود. حجگزاران شیعه ایرانی در سفر به مدینه، غالباً هنگام زیارت بقیع، به زیارت این امامزاده نیز می‌پرداختند و برخی از آنان در سفرنامه‌های خود، توصیفی از بارگاه او

۱. گزارش‌های خوب و بد درباره افراد را در علم رجال اصطلاحاً مدح و ذم گویند.
۲. محمد بن مسعود بن محمد بن عیاشی سمرقندی کوفی، مکننا به ابوالنضر و معروف به «عیاشی»، فقیه بزرگوار و عالم وارسته‌ای است که در رشته‌های فقه، ادب، حدیث و تفسیر تبحر فراوان داشت. او از اعیان علما و از اکابر فقه‌های شیعه در عهد ثقه الاسلام کلینی، و استاد کلینی بود.

ثبت کردند. فرهاد میرزا (م. ۱۳۰۵ ق.)، که در سال ۱۲۹۲ قمری / ۱۲۵۴ شمسی به مدینه رفته، گزارشی از این بارگاه ارائه کرده است (فرهاد میرزا، ۱۳۶۶ ش، ص ۱۵۸)

با قدرت گیری وهابیان در حجاز، مرقدها و بارگاهها ویران شد. در سال ۱۳۹۴ قمری هنگام زیرسازی خیابان غربی بقیع، محوطه پیرامون قبر اسماعیل تخریب، و چنین شایع شد که جنازه او پس از سده ها به صورت سالم، آشکار شده است. بر پایه برخی دیده ها و گفته های محلی، با پیش بینی های صورت گرفته و با هماهنگی برخی از بزرگان اسماعیلیه، جسد اسماعیل به درون گورستان بقیع منتقل، و نشانه گذاری شد. محل دفن او به دلیل وصف های متفاوت و از میان رفتن نشانه ها، دقیقاً مشخص نیست. محل آن را حوالی قبر ام البنین یا نزدیک شهیدان حرّه یا در ده متری قبر حلیمه سعدیه، در انتهای بقیع، دانسته اند (نجمی، ۱۳۸۰ ش، ص ۲۹۰)

۱۰. محمد بن اسماعیل بن امام جعفر الصادق

همچنین اسماعیل، نواده امام جعفر صادق و هشتمین امام در مذهب شیعه اسماعیلی است. وی در سال ۱۲۸ قمری زاده شد. به گفته بعضی علمای شیعه اسماعیلی، او مرده است؛ اما برخی دیگر از علمای شیعه اسماعیلی معتقدند او به غیبت رفته است و باز خواهد گشت. بعضی از مفسران تاریخ نیز می گویند: «شیعیان اسماعیلی دچار انحرافی شده اند و محمد بن اسماعیل، همان مهدی موعود نزد آنان است که باز خواهد گشت».

دوران کودکی او در دوران زندگی امام جعفر صادق بود. او مدت بسیاری را مخفی در مدینه زندگی کرد؛ چنان که تنها گروهی از داعیان او را می شناختند. محمد پس از وفات پدرش در سال ۱۳۸ قمری، در بین مردم از نظر علمی و معنوی مورد احترام بود. پس از فوت امام صادق علیه السلام برخی معتقد به امامت محمد شدند. قبر او در بقیع دفن است (سمعانی، ج ۱، ص ۱۵۶، کمونه، ص ۶۷)

بنا به روایات اسماعیلی، خلیفه عباسی، هارون الرشید، در جست و جوی او در مدینه بود؛ اما زبیده، همسر هارون، از پیروان امام بود و او را آگاه ساخت. سرانجام، محمد بن

۱. در روایات اسماعیلیان، زبیده به آسیه زن فرعون شبیه شده است.

اسماعیل مدینه را ترک کرد و به همراه برادرش، علی بن اسماعیل، به کوفه رفت (خامه یار، ۱۳۹۰ش، ص ۲۹)

۱۱. عبدالله بن امام جعفر صادق علیه السلام

عبدالله دومین پسر امام صادق علیه السلام (پس از اسماعیل) (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۱۰)، و مادرش فاطمه، دختر حسین بن علی بن حسین بن علی علیه السلام بود، او به خاطر داشتن سر پهن (افطح الرأس) (ابن حزم اندلسی، ۱۴۱۸ق، ص ۵۹) یا پاهای پهن (افطح الرجلین)، به عبدالله افطح معروف شد. جایگاه عبدالله نزد پدرش همانند دیگر برادرانش نبود؛ چراکه او از نظر اعتقادی، متهم به مخالفت با پدرش بود و با حشویه نشست و برخاست می کرد و به مذهب مرجئه گرایش داشت (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۱۱)

هنگام شهادت امام صادق علیه السلام، عبدالله بزرگ ترین پسر ایشان بود. او با استناد به اینکه امامت به پسر بزرگ امام می رسد، ادعای امامت کرد و در ابتدا گروهی از شیعیان به او گرویدند. نقل شده است امام صادق علیه السلام پیش از رحلت خود، از ادعای دروغین امامت توسط عبدالله خبر داده و به فرزندش امام کاظم علیه السلام سفارش کرده بود عبدالله را واگذارد؛ چراکه به زودی از دنیا خواهد رفت (مسعودی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۹۸)

در منابع آمده است شیعیان و اصحاب برای آنکه به صحت ادعای عبدالله یقین پیدا کنند، پرسش هایی مطرح کردند، ولی او از پاسخ صحیح باز ماند و در نتیجه بسیاری از شیعیان از او برگشتند. این پرسش ها در منابع نقل شده است. (نباطی بیاضی، ۱۳۸۴ق، ج ۲، ص ۱۹۱-۱۹۲)

از عبدالله، نسلی باقی نماند؛ ولی در برخی منابع اسماعیلی و غیر آن (ابن حزم الاندلسی، ۱۴۱۸ق، ص ۵۹) صریحاً آمده است که خلفای فاطمی، نخست به جای اسماعیل، برادرش عبدالله افطح را امام و جدّ خود معرفی کردند و سپس از این امر عدول، و امامت اسماعیل را مطرح کردند. عبدالله هفتاد روز پس از شهادت امام صادق علیه السلام از دنیا رفت و در بقیع به خاک سپرده شد (قاضی نعمان، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۳۱۰) قبری نیز در قبرستان باب الصغیر دمشق به وی منسوب است (خامه یار، ۱۳۹۰ش، ص ۹۷)

۱۲. محمد بن امام صادق علیه السلام

هر چند مسعودی ذیل اخبار منصور دوانیقی می نویسد: «در سال ۱۴۸ قمری، ابو عبدالله محمد بن جعفر بن محمد در ۶۵ سالگی وفات یافت و او را در بقیع دفن کردند» (مسعودی، ج ۲، ص ۲۸۸)، ولی به نظر می رسد مسعودی شخص دیگری را با محمد بن جعفر اشتباه گرفته است؛ زیرا محمد تا زمان مأمون عباسی زنده بود و در قیام ابن طباطبا شرکت داشت و مکه و مدینه را به تصرف خود در آورد. سرانجام تسلیم عیسی جلودی، و به مرو نزد مأمون فرستاده شد و در سال ۲۰۳ قمری در جرجان وفات یافت (ابونصر بخاری، ۱۳۷۶ ش، ص ۱۰۹).

ابوالحسن بیهقی با جمله «فقتل بالسمّ فی حبس اُبی مسلم و صلّی علیه المأمون و حمل جنازته»؛ «نحوه مرگ او را مسموم شدن از سوی ابومسلم نامی می داند و سپس می گوید: «مأمون بر آن نماز خواند و جنازه او را حمل کرد» (بیهقی، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۳۴۵؛ مستوفی قزوینی، ۱۳۸۱ ش، ص ۹۸).

در کاوش هایی که هنگام بازسازی بنای مقبره محمد در رامیان آزاد شد، آجرهای متعددی به ابعاد ۲۵×۲۵ با قطر ۵ الی ۷ سانتی متر در محل کشف شد که رنگ همه آنها قرمز بود؛ از این رو معلوم می شود بنایی که پیش از این وجود داشت، همان بنای صاحب بن عباد است یا اینکه بر روی بنای او بنایی ساخته شده است (فقیه بحر العلوم، ۱۳۹۴ ش، ص ۳۴).

۱۳. محمد بن عون الاکبر بن محمد حنفیه بن امام علی علیه السلام

وی نواده بزرگوار امام علی علیه السلام است. بنا به گفته ابوالحسن عمری علوی نسابه، در مدینه وفات یافت و در بقیع دفن شد (عمری علوی، ۱۴۲۲ ق، ص ۴۲۹).

قرن سوم

۱۴. علی العریضی بن امام جعفر صادق علیه السلام

علی، کوچکترین فرزند امام صادق علیه السلام، هنوز به دنیا نیامده بود که پدرش رحلت کرد. وی همیشه همراه برادرش، موسی بن جعفر علیه السلام، بود و از وی دانش فراوان آموخت و روایات بسیاری

۱. نام قبلی شهر گرگان در استان گلستان فعلی.

از ایشان نقل کرد (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۵۵۸) برخی از آن روایات، در کتابی به نام مسائل علی بن جعفر - که مشهور است و بارها چاپ و انتشار یافته، گرد آمده است.

از تاریخ تولد دقیق او خبری در دست نیست. بعضی گفته اند هنگام شهادت امام صادق علیه السلام (۱۴۸ق.) دو سال داشت (قمی، ۱۳۹۱ش، ص ۲۲۴)، ولی بعضی بر آن اند که وی در آن هنگام، جوان بوده است برای مثال، مامقانی سن وی را در آن هنگام بین ۱۶ تا ۲۰ سال می داند؛ زیرا لازمه نقل روایت از پدرش، این سن را اقتضا می کند (مامقانی، ۱۳۷۱ش، ج ۲، ص ۲۷۳)

در تاریخ وفات علی بن جعفر اتفاق نظر وجود ندارد. بعضی رحلت او را در سال ۲۱۰ قمری دانسته اند (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۳) و عده ای سال ۲۲۰ قمری (خویی، ۱۴۳۱ق، ج ۲۱، ص ۲۹۱ و ۲۹۲)؛ اما با دقتی که به عمل آمد روشن شد که تولد وی حدود سال ۱۳۰ قمری، و وفاتش نزدیک سال ۲۲۰ قمری، و سن شریف وی هنگام وفات حدود نود سال بوده است.

شیخ مفید در مورد وی چنین می گوید: «علی بن جعفر و برادرش، اسحاق، دو شخصیت اند که هیچ کس در فضل و تقوایشان اختلاف نکرده است». در جای دیگر نیز از او این گونه یاد کرده است:

علی بن جعفر از کسانی است که حدیث فراوان نقل کرده و روشی استوار داشته است. بسیار پارسا و دانشمند، و ملازم خدمت برادر ارجمندش امام موسی بن جعفر علیه السلام بود و خبرهای زیادی از آن حضرت نقل کرده است (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۰۶ و ۲۰۸)

امام باقر علیه السلام، محله عریض^۱ را خرید. پس از آن حضرت، عریض به امام صادق علیه السلام منتقل شد. امام صادق علیه السلام نیز وصیت کرد که پس از وی، عریض از آن علی، فرزند

۱. عریض در شرق مدینه منوره واقع شده و در گذشته، از شهر مدینه بیرون بوده است؛ لیکن اکنون به شهر مدینه پیوسته و ساکنان آن را در مدینه به نام «العریض»، و العریض (به تشدید یاء) می خوانند و همچنان دارای نخلستان های سرسبز و خرم است. امام صادق علیه السلام فرمود: «واقعهای در مدینه رخ می دهد و هر کس به اندازه یک میل از مدینه دور شود، نجات خواهد یافت و پدرم به این جهت عریض را خریداری کردند». از آن تاریخ که امام باقر علیه السلام عریض را خریدند، خود آن جناب و فرزندان شان به آنجا آمد و شد داشتند. در حدیث آمده است:

کوچکش باشد. لذا وقتی که وی بزرگ شد، در عریض ساکن گشت (قمی، ۱۳۹۱ش، ص ۲۲۴) از این رو نجاشی گوید: «علی بن جعفر، خود ساکن عریض شد و فرزندان را بدان جهت، عریضی خوانند» (نجاشی، ۱۴۱۸ق، ص ۱۷۶)

زییدی نیز گوید: «علی بن جعفر را به عریض منسوب می‌دانند و چون ساکن عریض شد، فرزندان و ذریه اش را - که بسیارند - عریضی خوانند (تاج العروس ماده عرض).

مقبره علی بن جعفر در عریض، در گذشته معمور و آباد بود. علامه سید محسن امین گوید: «مقبره او در عریض دارای قبه‌ای عالی و زیارتگاه است» (امین، ۱۴۰۳ق، ج ۸، ص ۱۷۷).

رفعت پاشا، امیرالحاج مصریان، در کتاب ذی‌قیمت و پربار خود، مرآت الحرمین، می‌نویسد: «از ضریح‌هایی که خارج بقیع هستند... ضریح علی عریضی است که در شرق مدینه واقع است؛ به فاصله یک ساعت راه» (رفعت پاشا، ۱۳۷۷ش، ج ۱، ص ۴۲۷) در نیمه نخست سال ۱۳۸۱ شمسی، مقبره علی بن جعفر به بهانه احداث بلوار، توسط وهابی‌ها تخریب شد؛ اما با کمال تعجب جسد مطهر این فرزند امام صادق علیه السلام تر و تازه هویدا شد و مأمورین با احترام جسد را در بقیع دفن کردند (فقیه بحرالعلوم؛ ۱۳۹۸ش، ص ۱۳۱)

۱۵- ابراهیم، احمد، صالح، سلیمان و عیسی فرزندان یحیی بن احمد بن محمد بن یحیی بن

عبدالله المحض بن حسن مثنی فرزند امام حسن علیه السلام

این پنج تن از نوادگان امام حسن مجتبی علیه السلام به دست ابوالساج در مدینه زندانی، و

پس از وفات در زندان، در بقیع به خاک سپرده شدند (عمری، ۱۴۲۲ق، ۲۴۶)

۱۶- سید عبدالله بن محمد الاخیضر الصغیر الامیر بن یوسف الاخیضر بن ابراهیم بن موسی

الجون بن عبدالله المحض بن حسن مثنی فرزند امام حسن علیه السلام

در سال ۲۵۶ قمری به دست «ابی الساج» در زندان مدینه کشته، و در بقیع دفن شد (اصفهان‌ی

ابوالفرج، ۱۳۸۵ش، ص ۴۳۹؛ عمری، ۱۴۲۲ق، ص ۵۳)

«امام صادق علیه السلام از کراث (یک نوع سبزی که خاصیت طبی دارد) خوشش می‌آمد [و چون بوی بد داشت] هرگاه می‌خواست کراث بخورد از مدینه به عریض می‌رفت».

۱۷. سید ابراهیم بن موسی بن عبدالله بن موسی الجون بن عبدالله بن حسن مثنی فرزند امام حسن علیه السلام وی از سادات حسنی و جلیل القدر بود که در سال ۲۵۶ قمری توسط مهتدی از خلفای عباسی، زندانی شد و در زندان به شهادت رسید و در بقیع مدفون گشت (عمری، ۱۴۲۲ق، ص ۵۳؛ ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۸۵ق، ص ۴۳۹)

۱۸. سید داود بن عبدالله بن موسی الجون بن عبدالله المحض بن حسن المثنی فرزند امام حسن علیه السلام سید داود مکنّا به ابو محمد و معروف به بصری، و مادرش از طلحیه بود. او از راویان حدیث بود. وی در بادیه قیام، و ابوالساج، او را دستگیر کرد. سید داود پس از درگذشت در زندان مدینه، در بقیع دفن شد (عمری، ۱۴۲۲ق، ص ۴۹)

قرن چهارم

۱۹. سید حسین بن یحیی بن یحیی بن عیسی الاکبر النقیب بن محمد بن علی العریضی بن امام جعفر صادق علیه السلام

وی، سیدی جلیل القدر و بزرگوار، و سومین نقیب طالبیون شهر مدینه بود. فخر رازی (م. ۶۰۶ق.) و ابوطالب مروزی (م. بعد از ۶۱۴ق.) به نقابت سید حسین بن یحیی بر مدینه تصریح کردند (مروزی، ۱۴۰۶ق، ص ۳۰؛ کمونه، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۱۱۵).
با وجود سلسله نسب او، می توان احتمال داد که وی در نیمه دوم قرن چهارم هجری وفات یافته و در بقیع به خاک سپرده است (فقیه بحر العلوم، ۱۳۹۴ش، ص ۶۳-۶۱)

۲۰. سید محمد الشعرانی بن حمد بن یحیی بن محمد بن علی العریضی فرزند امام صادق علیه السلام وی سیدی شریف بود که به دست «بنوطی» کشته شد و در مدینه در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد (بیهقی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۴۵۶)

قرن نهم

۲۱. سید ابوالخیر محمد بن محمد بن عبدالرحمن بن احمد بن علی بن ابی الخیر محمد بن عبدالرحمان حسنی فاسی مکی مالکی

مادرش ام هانی، دختر شریف علی فاسی است. وی از محضر عز بن جماعه و جمال بن عبدالمعطی، و فاطمه دختر شهاب احمد بن قاسم حرارزی، نشاوی، امیوطی و کمال بن حیب بهره برد و بزرگانی به او اجازه نقل حدیث دادند. او در روز دوشنبه، سوم شوال سال ۸۰۶ قمری، در مدینه وفات یافت و در بقیع دفن شد (سخاوی، ۲۰۰۷م، ج ۴، ص ۴۰)

۲۲. سیدعبدالقادر بن عبداللطیف بن محمد بن احمد حسنی

وی مکننا به ابوصالح و ملقب به محیی الدین فاسی مکی بود که سال ۸۴۲ قمری، در مکه به دنیا آمد و قضاوت حنابله این شهر را در سال ۸۳۶ قمری، و سپس قضاوت مدینه را نیز در سال ۸۶۵ قمری، به عهده گرفت. همچنین فقه تدریس می کرد و فتوا می داد. سرانجام در شعبان سال ۸۹۸ قمری وفات یافت و در بقیع به خاک سپرده شد (سبحانی، ۱۴۲۵ق، ج ۹، ص ۱۳۱؛ پورامینی، ۱۳۹۲ش، ص ۲۵۴)

۲۳. سیدعبداللطیف بن محمد بن عبدالرحمان حسینی فاسی مکی مالکی، معروف به سراج بن ابی سرور

وی از شخصیت های سده نه قمری و مدفون در بقیع است و تبارش اصالتاً از فاس مغرب هستند. او در سال ۸۰۳ قمری در مکه متولد شد. در مراکز علمی مکه، علوم شرعی متداول آن زمان را فراگرفت و به سماع حدیث مشغول شد و با اجازه بزرگان حدیث به فعالیت در این زمینه پرداخت. از سال ۸۴۲ قمری امامت جماعت و جمعه مالکی های ساکن مکه یا زائران را پذیرفت. نیز چندین سال مسئول حمل زائران از مصر، تونس، یمن، شام و غیره به حرمین بود و مدیریت کاروانهای حجاج را بر عهده داشت. بالاخره پس از یک عمر تلاش در سال ۸۶۴ قمری در مدینه وفات یافت و پس از نماز خواندن بر او در روضه نبوی، در بقیع به خاک سپرده شد (سخاوی، ۱۳۴۵ق، ج ۴، ص ۴۲۹-۴۳۱)

۲۴. سیدعلی بن ابراهیم بن محمد حسینی جویمی

از اهل جویم فارس، و شافعی مذهب، و ساکن مدینه منوره بود. او در حدود سال ۷۸۵ در جویم به دنیا آمد. همان جا قرآن آموخت و نحو و صرف را نزد پدرش فراگرفت

و سپس به شیراز رفت و از محمود سروسستانی، فقه و نحو، و از عقیف کازرونی حدیث فراگرفت و به خراسان رفت و از یوسف حلاج، فقه و اصول آموخت. در سال ۸۳۰ قمری از طریق شام به حج مشرف شد و همانجا مدتی مجاور گشت و سپس به بیت المقدس رفت و مجدداً برای حج به مکه برگشت و بعد از مدتی مجاورت، مدینه را برگزید. او در سال ۸۶۲ قمری در سن ۷۷ سالگی وفات یافت و در بقیع دفن شد (سخاوی، ۱۴۲۵ق، ج ۴، ص ۶۵۹).

۲۵. سیدنورالدین ابوالحسن علی بن عبدالله بن احمد بن ابی‌الحسن سمهودی حسنی قاهری شافعی، مشهور به شریف سمهودی

در صفر سال ۸۴۴ در سمهود^۱ به دنیا آمد و در همانجا نزد پدر و بزرگان، حفظ قرآن و دیگر علوم را آموخت. سپس به حج رفت و از آنجا عازم مدینه گشت و در سال ۷۷۳ قمری، متوطن شد و با خاندان زرندی در مدینه ازدواج کرد. وی پس از مدتی به قاهره برگشت و مجدد برای اقامه حج به مکه رفت و سپس مجاورت مدینه را برگزید. او علاوه بر تالیفاتی در فقه، به تربیت طلاب مدینه پرداخت. عاقبت در روز پنج‌شنبه، ۱۸ ذی‌الحجه سال ۹۱۱، وفات یافت و در بقیع شریف دفن شد (سخاوی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۵۰۲-۵۰۳).

۲۶. ابوالسعادات محمد بن محمود بن عاذل حسنی مدنی حنفی

او از عالمان حنفی مذهب شهر مدینه بود و هرگز از مدینه خارج نشد؛ جز برای حجگزاری. وی پدر عبدالله، عبدالرحمن، احمد و عبدالکبیر حسنی است. او در روز یکشنبه، ۱۷ شعبان سال ۸۷۱، در سن ۶۷ سالگی وفات یافت و در بقیع دفن شد (سخاوی، ۱۴۲۵ق، ج ۱۱، ص ۱۱۳).

قرن دهم

۲۷. سیدحسن بن مانع بن زبیری بن قیس حسینی

وی از نوادگان امام زین‌العابدین و از سادات و امرای مدینه منوره بود که در دوره امارتش، عمران و آبادانی زیادی در مدینه ایجاد کرد. او بعد از ثابت بن ضغیم، به امارت

۱. یکی از روستاهای فعلی شهر ابوتشت از استان قنا در کشور مصر.

مدینه رسید. در دوره امارتش اموال بیت‌المال را جابه‌جا کرد و به همین دلیل قضات، خلافت او را از امارت مدینه عزل کردند. وی در سال ۹۳۳ قمری درگذشت و در بقیع دفن شد (عبدالغنی، ۱۳۴۰ق، ص ۳۳۱؛ سخاوی، ج ۱، ص ۳۵۱)

قرن یازدهم

۲۸. سیداحمد بن سعد بن علی بن شدقم بن ضامن بن محمد بن عرمة بن نکیته بن توبة الحسینی وی از اشراف مدینه، و سیدی جلیل‌القدر و عظیم‌الشأن بود که نقابت علویان مدینه منوره را به عهده داشت (کموئه، ۱۳۸۸ق، ج ۲، ص ۱۱۹) زین‌الدین علی بن حسن النقیب شدقمی (م. ۱۰۳۳ق.) درباره او می‌نویسد:

احمد نقیب، یتیم جدم علی نقیب بود. او وی را پناه داد و متکفل او شد و به تربیت او پرداخت و به او لطف و بخشش می‌کرد. سپس پدرم بی‌نیاز کرد او را از هدایایی که برای آن از هند می‌رسید و این بخشش و احسان ادامه داشت تا هنگامی که پدرم عازم هند بود و تمام اموال منقول و غیر منقول خود را در اختیار همسرش رشاش گذاشت و او در نبود پدرم، وفات یافت و برادرش احمد نقیب تمام اموالش را متصرف شد و اموال منقول را آشکارا برداشت و به خانه او نقل مکان کرد و نخلستان او را نیز مدتی متصرف بود تا اینکه پدرم از مسافرت آمد و به او احسان و نیکی کرد و در مطالبه اموالش هیچ ادیتی به او روا نداشت و مورد محاسبه قرارش نداد؛...

سپس احمد نقیب، خدمتگزار سلطان بیت‌الله الحرام، شریف حسن بن ابی‌نمی بن محمد بن برکات حسنی از آل قتاده شد. کلامش بین خاص و عام پذیرفته می‌شد و هیبتی به هم زد. اعتماد خاصی، سلطان به او داشت و یکی از ارکان دولتش شد و به وسیله او، اموالش زیاد گشت و تمام سخنرانی‌ها و شئون مملکت به عهده احمد بود و هرگز در امورات مملکتی با رأی او مخالفت نمی‌کرد؛ مگر اینکه گرفتاری سخت دامنگیر شود. به نظر او و مشارکت او، چاه مسجد شجره، که وزیر سلطان عثمانی ساخته بود، تعمیر شد.

با نظر او حاکم مدینه منوره از سادات حسنی منصوب گشت؛ با وجود آنکه سلطان از برخی از سادات بادیه مدینه خوف داشت.

او بدون خونریزی، ینبع را که شورش شده بود، فتح کرد. سپس خیبر را با مشارکت امیر مدینه و ینبع به تصرف خود درآورد.

او سید قومش و بزرگ طایفه اش در عصر خود بود. تمام دستورات و احکام به او ختم می شد و همه مسائل امرا و خانواده ها در تصمیم او بود.

او در این خانواده، برترین بود و در اطراف مدینه شریفه، زمین های تازه ای را برای ایجاد نخلستان آماده کرد و نخلستان بزرگی پدید آورد. در منطقه عصبه، غرب مسجد قبا، چاهی حفر کرد که از آن اهالی منطقه سیراب می شدند. او همچنین برکه خشکی را در نزدیک کوه احد، که متعلق به بنی حسین بود، خریداری کرد و آنجا را با آب های مدینه پر کرد تا محل شرب اهالی شود؛ چنان که خورش به ما رسیده. در گذشته آب آن چهارده قسمت می شد و در هر هفته بین خانواده ها می گشت؛ اما او با کندن چاه بزرگ تر آن را به شانزده قسمت تقسیم نمود. ما (ضامن بن شدقم) در آن وقت به سن تکلیف نرسیده بودیم و تنها از وقایع آن شنیدیم.

او منصب نقابت را به دو منصب تقسیم نمود که تا آن موقع سابقه نداشت و برای هر یک نایبی قرار داد که در امور نقابت مشارکت کنند. یک قسمت خانه اموال مردگان و لقطه و زمین های موات برای فروش قرار داد که مصرفش برای دولت حسینی باشد؛ مادامی که مالک آن ثابت نشود (مجهول المالک)

فرزندش محمد، برایم روایت کرد که پدرم ۲۵ سال نقیب سادات مدینه بود و در این شهر وفات یافت و نزدیک بقعه ائمه علیهم السلام در بقیع به خاک سپرده شد و این در نیمه ربیع الثانی سال ۹۴۸ قمری، اتفاق افتاده است. بعد از وفات احمد، نقابت به پستی گرایید و لباس حزن و گریه را بر تن کرد و ساختمان مستحکمی که بنیان گذاشته شد، به خرابی رفت و فرزندش محمد به نقابت رسید (علی بن حسن شدقم، ۱۳۸۰ق، ص ۱۰۱ و ۱۰۴؛ وابن شدقم، ۱۳۸۱ش، ص ۱۹۹)

۲۹. سیداحمد بن محمد بن یونس حسینی مدنی دجانی مشهور به قشاشی

شغل اصلی او قشاشی (صیقلی = تیز کردن) بود. جدش از بیت المقدس بود و ساکن مدینه شد. با پدرش در سال ۱۰۱۱ به یمن رفت و از اکثر علمای آنجا بهره برد. سپس به مکه آمد و مدتی در آنجا ماند و از بزرگان آنجا دانش آموخت. او سپس به مدینه رفت و حلقه درس تشکیل داد و بیش از صد نفر در حلقه درس او مشارکت داشتند. وی دارای

پنجاه تألیف بود. او در سال ۱۰۷۱ قمری وفات یافت و در شرق گنبد حلمیه سعادیه در بقیع دفن شد (یوسف البان، ۱۴۴۰ق، ج ۲، ص ۱۵۱۳)

۳۰. سید صبغة الله بن روح الله بن جمال الله حسینی کاظمی بروجی

او اصالتاً از اصفهان، و از عرفا بود. جدش از اصفهان به هند رفت و در بروج گجرات ساکن شد و شیخ صبغة الله در آنجا به دنیا آمد. دانش را در همان جا از بزرگان آموخت و سپس به بیجاپور مهاجرت کرد و پس از اقامت در مدینه به احمد نگر هند بازگشت و پنج سال در بیجاپور اقامت گزید و منشا خیر و برکت دانش پژوهان آنجا شد. ابراهیم عادل شاه، صاحب بیجاپور، اسباب سفر حج او را با کشتی فراهم ساخت. او با دوستان و مریدان خود به حج مشرف شد و در سال ۱۰۰۵ به مکه و از آنجا به مدینه رهسپار شد و در کنار احد به تدریس پرداخت. سرانجام سال ۱۰۳۷ قمری در مدینه وفات یافت و در بقیع به خاک سپرده شد. از او تألیفاتی به یادگار مانده است (حسنی، ۱۳۸۲ق، ج ۵، ص ۱۷۹)

قرن دوازدهم

۳۱. سید محمد بن سید حسین علوی مدنی شافعی

او از بزرگان سادات مدینه، و سیدی شریف و فاضل بود که در حدود سال ۱۱۴۹ قمری در مدینه به دنیا آمد. حفظ قرآن و دیگر کتب متداول آن عصر را در همین شهر آموخت و از بزرگان عصر خویش شد. سپس به مرحله‌ای رسید که در مسجد نبوی به تدریس پرداخت. وی کتابی در مناقب خلفای اربعه و حضرت فاطمه و عائشه تألیف کرد. او عاقبت در ۱۱ ذی الحجه سال ۱۱۸۶ وفات یافت و در بقیع دفن شد. (مرادی، ۱۳۰۱ق، ج ۴، ص ۴۳)

۳۲. سید جعفر بن سید حسن بن عبدالکریم بن سید محمد بن عبدالرسول برزنجی مدنی

شافعی موسوی

وی از احفاد اسماعیل فرزند امام موسی، و سیدی فاضل، و عالمی پرهیزکار و مفتی سادات شافعی در مدینه بود. همچنین امام و خطیب مدرسه کنار مسجد نبوی شریف بود. او تألیفات زیادی در فقه و تاریخ و شعر داشت. از او با عنوان شافعی صغیر یاد شده است. سرانجام

سوم شعبان سال ۱۱۷۷ قمری در مدینه وفات کرد و در بقیع دفن شد (بغدادی، ۱۳۸۴ق، ج ۱، ص ۱۷۶؛ حضراوی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۴۷)

قرن سیزدهم

۳۳. سیدزین باعبود العلوی مدنی

او از بزرگان و دانشمندان مدینه منوره بود که سال ۱۲۷۴ قمری در بشر عباس در اطراف مدینه وفات یافت و در بقیع به خاک سپرده شد (حضراوی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۴۳۵)

۳۴. سید صالح بن حسین بن محمد بن علوی بن عبدالله بن محمد بن عبدالله بن محمد بن

سالم بن احمد بن عبدالرحمان بن علی بن محمد علوی ملقب به جمل اللیل مکی

وی از فقهای شافعی مدینه و از دانشمندان بنام این شهر، و خطیب مسجد الحرام بود. او موظف به خواندن نماز استسقا و کسوف در مکه بود؛ چراکه بسیار رقیق القلب و دل نازک و صریح البکا بود و تا به منبر می نشست و شروع به خواندن خطبه می کرد، همه را به گریه وامی داشت. او به سال ۱۱۷۰ در مکه به دنیا آمد و در همان جا به دانش پژوهی پرداخت و در شوال سال ۱۲۶۹ در سن ۹۹ سالگی وفات یافت و در بقیع دفن شد. از او یک فرزند به نام سید حسین مشهور به جمل اللیل به جا مانده است (حضراوی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۱۰).

قرن چهاردهم

۳۵. سید محمد تقی طالقانی

سید محمد تقی آل احمد طالقانی، سال ۱۲۸۰ شمسی در خانواده ای روحانی در محله نصرالدین تهران چشم به جهان گشود. وی فرزند ارشد سید احمد حسینی طالقانی، روحانی محبوب و خوشنام پایتخت، امام جماعت مساجد پانچنار و لباسچی و برادر جلال آل احمد نویسنده مشهور است. مادرش امینه بیگم اسلامبولچی، خواهرزاده آقابزرگ تهرانی، صاحب کتاب *النریعه* بود (تهرانی، ۱۴۰۳ق، ج ۸، ص ۲۹۰) وی پس از سالیانی بهره گیری از اساتید حوزه های علمیه قم و نجف، بر اساس مأموریت آیت الله بروجردی، به مدینه رهسپار شد (شمس آل احمد، ۱۳۶۹ش، ص ۱۶۱)

آیت الله بروجردی به چند تن با راهبری سیدمحمدتقی آل احمد، مأموریت داد تا فردی را از میان خود برای نمایندگی میان شیعیان نخواستند. آل احمد با علم به احتمال شهادت در این راه، خود، این مأموریت را پذیرفت (هدایتی، ۱۳۴۳ش، ص ۲۱۰) و حدود سال ۱۳۳۰ شمسی وارد شهر مدینه شد. برادر او، شمس آل احمد، وی را نماینده آیات عظام اصفهانی و بروجردی در مدینه دانسته است. به پشتوانه همین سخن، یکی از تاریخ پژوهان نیز چنین گفته است (جعفریان، ۱۳۸۷ش، ج ۱۷، ص ۳۶۱) با توجه به درگذشت آیت الله اصفهانی در سال ۱۳۶۵ قمری/ ۱۳۲۵ شمسی این سخن صحیح نمی نماید.

در منابع، آگاهی هایی اندک از تلاش های آل احمد در دو سال اقامتش در مدینه آمده است. به گفته شمس، به رغم آنکه وهابیان بازسازی قبور را بدعت می شمردند، وی در این دوره با حمایت های آیت الله بروجردی و تشویق بازاریان تهران کوشید تا قبرستان بقیع را بازسازی کند؛ ولی توفیقی نیافت. جلال آل احمد نیز در کتاب *حسی در میقات*، از اشتیاق برادرش و تلاش فراوان و خون دل خوردن وی برای سنگچین کردن پیرامون قبور چهار امام مدفون در بقیع، سخن گفته است (جلال آل احمد، ۱۳۴۵ش، ص ۴۲) نامه کاردار وقت ایران در جده به پدر سیدمحمدتقی، گویای بخشی از ویژگی های اخلاقی اوست. وی آل احمد را به صفاتی مانند حسن خلق، علو طبع، متانت، وقار و دستگیری از نیازمندان و ناتوانان ستوده و همین را مایه موفقیت او شمرده است (شمس آل احمد، ۱۳۴۵ش، ۱۱۶)

سیدمحمدتقی به سال ۱۳۳۲ شمسی در مدینه درگذشت. شمس آل احمد به پشتوانه گفته های همسر و فرزند محمدتقی، بر این باور است که وی مسموم شده و در هفتم اردیبهشت آن سال به شهادت رسیده است. سیدمحمدتقی در قبرستان بقیع، در فاصله سه متری قبور ائمه بقیع، به خاک سپرده شد (هدایتی، ۱۳۴۳ق، ص؛ ۲۱۰شمس آل احمد، ۱۳۶۹ش، ص ۱۰۸)

۳۶. سیداحمد خسروشاهی

شیخ آقابرگ تهرانی نوشته است او از عالمان جلیل القدر است که در سال ۱۳۲۶ قمری درگذشت و در بقیع دفن گردید (تهرانی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۴۸۳؛ محسن امین، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۲۲۱)

۳۷. سیدجان محمد بلکرامی، پسر عموی سید عبدالجلیل علامه واسطی علوی

سیدجان محمد در سال ۱۰۸۳ قمری به دنیا آمد. پدرش، سیدمعین الدین، صاحب عدالتخانه در شهر ملتان بود. وی در همان شهر از پدر و دیگران علم آموخت. علاوه بر حفظ قرآن، فارسی به فصاحت تمام سخن می گفت. او به شوق حج، ابتدا به بغداد و سامرا و نجف و کربلا و طوس عازم، و سپس راهی مکه مکرمه شد. پس از مناسک حج به مدینه منوره مشرف شد و به زیارت قبر رسول الله نایل آمد و از حضرتش خواست که در همین شهر وفات یابد. لذا مصحف های مسجد نبوی را تعمیر می کرد. سرانجام در سال ۱۱۴۹ در مدینه وفات یافت و در بقیع به خاک سپرده شد. سید آزاد شاعر در وصف و مدح او سروده ای دارد (فقیه بحر العلوم، ۱۳۹۴ ش، ص ۲۰۲)

۳۸. سید نعمت الله احمد زینی دحلان بن احمد بن عثمان بن حسنی قادری جیلی عراقی

وی از مفتیان شافعی مکه، و از علمای فاضل است. مادرش دختر عموی مفتی مکه، عبدالملک قلعی مشهور، بود. سید نعمت الله ۱۷ رجب سال ۱۲۳۱ در مکه به دنیا آمد. در این شهر به حفظ قرآن و دیگر دانش آن عصر همت گماشت و به مراتب عالیه رسید. پس از مرگ سید محمد حشی در سال ۱۲۸۱ قمری، عهده دار منصب افتا، و بعد از آن شیخ الاسلام مسجد الحرام در سال ۱۲۸۴ شد. در ۲۵ ذی الحجه ۱۳۰۳ قمری جهت زیارت قبر رسول الله عازم مدینه شد، اما در روز یکشنبه ۴ صفر سال ۱۳۰۴ وفات یافت و در بقیع دفن شد (بکری صدیقی، ۲۰۰۹م، ج ۱، ص ۱۹۸).

۳۹. سید بدرالدین حسن بن علی النقیب بن حسن بن علی بن شدقم بن ضامن بن محمد بن

عمره بن نکیتة بن توبة الحسینی و همسرش

وی از شرفای مدینه، و سیدی جلیل القدر، عظیم الشأن و بسیار بزرگوار بود. کمونه از او با عنوان بدرالدین حسن نقیب یاد می کند؛ اما در سلسله نسبت شریف او اشتباه کرده است (کمونه، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۱۲۴)

سید بدرالدین نقابت سادات مدینه را پس از پدر بزرگوارش، سید علی نقیب حسینی، عهده دار شد. پدر مؤلف کتاب *زهرة المقول فی نسب ثانی فرعی الرسول* است (حسن بن علی شدقم، ص ۹۸) علی بن حسن، فرزند سید حسن نقیب، درباره پدرش بدرالدین چنین می نویسد:

او در روش مانند پدر بزرگوارش بود و همانند او رفتار می کرد. سرپرست سادات مدینه و دارای فصاحت، بلاغت و جاهت، و اهل تألیف و شعر و درس و تصنیف بود. او به امور ضعفا و بیچارگان رسیدگی [می کرد] و بزرگان را محترم می شمرد. روز و شب در هنگام نهار و شام، سفره اش برای نیازمندان پهن بود.

او پس از پدرش تقابت سادات مدینه را به عهده گرفت، اما به این عنوان مشهور نیست؛ زیرا پس از مدتی خود را از این منصب عزل نمود و به همین خاطر او را به جدش امام حسن علیه السلام تشبیه می کنند؛ زیرا پس از عهده دار شدن خلافت، خود را از این منصب عزل نمود.

در سال ۹۶۲ قمری از مدینه منوره به هند نزد دایمی ام، سلطان حسین نظام شاه، رفت و سپس از آنجا عازم ایران شد و امام هشتم علیه السلام را زیارت کرد و به سال ۹۶۴ قمری، دیدار از سلطان بزرگ، شاه طهماسب صفوی حسینی موسوی موفق شد.

سپس مجدداً به هند برگشت و با مادرم ازدواج کرد. در مدت اقامتش در آنجا مورد احترام و اعزاز بود و از سوی پادشاه روستاهای بزرگ به او هبه شد و اموال زیادی کسب نمود. هنگامی که پدرم نزد سلطان می رفت، او از تختش به زیر می آمد و با احترام تمام، او را کنارش می نشاند و دیگر از امور دولت و دیوان سخن نمی گفت و توجه او به ایشان بود.

زمانی که سلطان حسین نظام شاه وفات یافت، با فرزندان و مادرانشان به وطنش، مدینه، به سال ۹۷۶ قمری، بازگشت و پس از اقامت کوتاهی در مدینه، مجدداً به سال ۹۹۲ قمری، به هند بازگشت و در روز چهارشنبه، دهم صفر سال ۹۹۸ قمری، در خیابان اطراف دکن وفات یافت و در همان جا دفن شد. سپس طبق وصیتش جسدش را به مدینه منتقل کردند و در کنار مادرم به خاک سپردند. او هنگام وفات ۵۷ سال داشت.

مادرم، با وجود آنکه سنش کم بود و از خانواده پادشاهان و سلاطین با اقتدار هند بود، همچون سالکان و عابدان و اولیا و صلحا، دائم به ذکر و دعا و نماز و روزه بود. متأسفانه او پس از شش یا هفت روز از به دنیا آمدن برادرم حسین، از دنیا رفت و در آرامگاه ائمه اربعه بقیع سلام الله علیهم اجمعین دفن شد (علی بن حسن شدم، ۱۳۸۰ق، ص ۹۹-۱۰۰؛ کمونه، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۱۲۵)

وی پس از مدتی اقامت در دکن، از شغل دربار عذرخواهی کرد و به بهانه سفر حج و زیارت قبر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و اقوام، با زن و فرزندان و مادر بزرگ همسرش، بی بی آمنه در سال ۹۷۶ قمری، وارد مدینه منوره شد و بر اشراف سادات و علما و دانشمندان آنجا، و حتی

عموم مردم احسان و مساعدت کرد. وی املاک زیادی را خریداری کرد و سپس به عمران آنها پرداخت و بخشی از آن را وقف نمود و برخی را به فرزندان و نوادگان خود اختصاص داد. (ضامن بن شدقم، ۱۳۷۸ش، ج ۳، ص ۲۱۵)

۴۰. سیدحسن بن اسماعیل بن عبدالغفور سبزواری

وی در سال ۱۲۵۵ قمری در سبزواری متولد شد و برای تکمیل تحصیلات به نجف رفت و در درس شیخ انصاری و سیدحسین کوه کمری معروف به التریک، شرکت کرد و به مقامات عالی دست یافت. او را از عالمان و فقیهان بزرگ، زاهد و از عرفای بزرگ شیعه شناسانده‌اند. سید در سال ۱۳۳۲ قمری عازم سفر مکه شد؛ اما در مسیر مدینه منوره گرفتار دزدان گردید و در همان سال به شهادت رسید. جسدش را به مدینه بردند و در بقیع به خاک سپردند (محسن امین، ۱۴۰۳ق، ج ۵، ص ۳۷۲)

۴۱. سیدحسین بهبهانی

سیدحسین در سال ۱۳۰۰ قمری به حج رفت. در بازگشت از حج و در حال عزیمت به مدینه، به قصد زیارت قبر پیامبر ﷺ در جایی به نام بئر درویش چادر زد و شب را به روز آورد. شب هنگام چون از خیمه بیرون رفت، یکی از اعراب که دشمنی سختی با شیعیان داشت، با کوبیدن عمودی بر سرش او را به قتل رساند. در گزارش صاحب/عیان الشیعه، تنها به بیرون رفتن شبانه بهبهانی برای قضای حاجت و کشته شدنش به دست یکی از دزدان عرب، بدون اشاره به تمایلات ضد شیعی قاتل، اشاره شده است. در گزارشی دیگر، کشته شدن بهبهانی در زمان نشستن و استراحت او دانسته شده است. پیکر بهبهانی به مدینه منتقل، و در جوار امامان بقیع دفن شد. سیدحسین بهبهانی آثاری در فقه و اصول و تفسیر نگاشت. این آثار بعدها در سال ۱۳۴۴ قمری و در هجوم یکی از امیران دولت عثمانی به خانه فرزندش سید کاظم (م. ۱۳۴۵ق.) در آتش سوخت و از میان رفت (امینی، ۱۳۹۳ق، ص ۳۳۱-۳۳۲؛ محسن امین، ۱۴۰۳ق، ج ۵، ص ۴۱۳)

۴۲. سیدشرف بن عبدالله موسوی

وی از سادات جلیل القدر موسوی و ادیبی ماهر بود که سال ۱۳۱۲ قمری، در روستای «تویشر» در «احسا» به دنیا آمد و در همان محل به تحصیل پرداخت و به مدارج عالی علمی و

معنوی رسید. اغلب او را به عنوان یک واعظ و خطیب شیعه یاد می‌کنند. او در دهستان القاره در احسا در گذشت. پیکر او را به مدینه آوردند و در سال ۱۴۰۹ قمری در بقیع به خاک سپردند (امین، ۱۴۱۰ق، ج ۶، ص ۱۷۹؛ پورامینی، ۱۳۹۲ش، ص ۲۴۲)

۴۳. سیدعبدالهادی بن احمد صقلی حسینی

صقلی مکننا به ابوتقی، از اهالی فاس، و قاضی آنجا بود. وی سال ۱۳۱۱ قمری به سفر حج مشرف شد. پس از برگشت از مکه، در مدینه بیمار شد و وفات یافت و در بقیع دفن شد. او تألیفاتی در مذهب مالکیه دارد؛ از جمله کتاب‌های او درباره مشاهیر مالکی شمال آفریقا است (زرکلی، ۱۹۸۹م، ج ۴، ص ۱۷۲).

۴۴. سیدمحمدرضا بهبهانی حائری

سیدمحمدرضا از روحانیون مشهور در تهران، و از خاندان بهبهانی‌ها بود. او مدتی در قم و نجف تحصیل علم کرد و پس از طی مدارج علمی، از روحانیون معتمد و موثق تهران شد. وی در سال ۱۳۹۱ عازم سفر حج شد؛ اما در شهر مدینه در گذشت و در بقیع به خاک سپرده شد (رازی، ۱۳۵۲ش، ج ۷، ص ۹۹)

نتیجه‌گیری

بَقِيعُ یا بَقِيعُ العَرَقَد، کهن‌ترین قبرستان مسلمانان، و محل دفن چهار تن از امامان شیعه و دیگر وابستگان پیامبر خدا است. بقیع پیش از اسلام، زمینی بزرگ و بوستانی در حوالی شهر یشرب حجاز بود. دفن اموات مسلمانان در این زمین از آغاز سده نخست هجری رواج یافته است و بزرگان و شخصیت‌های مهم اسلامی در آن خاکسپاری شده‌اند. در قرن اول و دوم اسلامی، بیشتر مدفونان در آن از صحابه پیامبر خدا و نیز فرزندان و نوادگان ائمه علیهم‌السلام هستند. این روند در قرن سوم و چهارم نیز ادامه داشت و علویان، قراء، حفاظ و نیز بزرگان مدینه و حاکمان و امرا در آن دفن می‌شدند. در قرن پنجم تا قرن یازده هجری، بسیاری از شرفای حسنی و حسینی حاکم بر مدینه در این قبرستان به خاک سپرده شدند و چون منبای ما طبق مستندات تاریخی است، لذا در این مقاله به اشخاصی اشاره شد که تصریح به دفن در بقیع شده‌اند؛ و گرنه بسیاری از سادات و شرفای ساکن مدینه، در این

قبرستان به خاک سپرده شده‌اند که در منابع تاریخی به دلایلی ذکر نشده است. از قرن یازدهم به بعد، علاوه بر بزرگان ساکن مدینه، بسیاری از مسافران و نیز بزرگان سادات، حسب وصیت در این قبرستان به خاک سپرده شده‌اند. بقیع در ادوار مختلف اسلامی، مورد توجه حاکمان بود و بقعه‌ها و بارگاه‌هایی در آن ساخته شد؛ اما پس از حمله و سیطره وهابیان بر عربستان، تخریب گردید. اکنون سطح بقیع در جوار حرم نبوی با خاک یکسان است و سنگ‌نوشته‌ای در آن مشاهده نمی‌شود.

منابع

۱. آل احمد، جلال (۱۳۶۵)، خسی در میقات، تهران، انتشارات ابر سفید.
۲. آل احمد، شمس (۱۳۵۵ق)، از چشم برادر، چاپ اول، انتشارات کتاب سعدی.
۳. ابن جوزی، عبدالرحمان بن علی (۱۴۱۱ق)، المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوک، تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول.
۴. ابن حبان، محمد (۱۹۷۳م)، الثقات، حیدرآباد، چاپخانه مجلس دائرةالمعارف العثمانیه.
۵. ابن حجر عسقلانی، ابوالفضل شهاب‌الدین احمد بن علی (۱۴۱۵ق)، تهذیب التهذیب، به کوشش مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۶. ابن حزم اندلسی، علی بن احمد (۱۴۱۸ق)، جمهرة أنساب العرب، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول.
۷. ابن خلکان، احمد بن محمد (۱۳۶۴ش)، وفيات الاعیان و أنباء أبناء الزمان، تحقیق احسان عباس، قم، الشریف الرضی.
۸. ابن سعد، محمد بن سعد (۱۲۱۵ق)، الطبقات الکبری، بیروت، دارصادر.
۹. ابن شبه النمیری، عمر (۱۴۱۰ق)، تاریخ المدینة المنورة (اخبار المدینة المنورة)، به کوشش فهیم محمد شلتوت، قم، دار الفکر.
۱۰. ابن شهر آشوب (۱۳۷۶ق)، مناقب آل ابی طالب، قم، انتشارات علامه.
۱۱. ابن صباغ (۱۴۲۲ق)، الفصول المهمة فی معرفة الاثمه، تحقیق سامی الغریری، قم، دارالحديث.
۱۲. ابن طاووس (۱۴۱۷ق)، اللهوف فی قتلی الطفوف، قم، انوار الهدی.
۱۳. ابن طقطقی، صفی‌الدین محمد بن تاج‌الدین علی (۱۴۱۵ق)، الاصلی فی انساب الطالبین، قم، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی.

١٤. ابن عساكر (١٤٢١ق)، تاريخ مدينة دمشق، بيروت، چاپ على شيرى.
١٥. ابن عنه، جمال الدين احمد بن على الحسنى (بى تا)، عمدة الطالب فى انساب آل ابى طالب، بيروت، دارالمكتبة الاحياء.
١٦. ابن فندق، ابوالحسن على بن ابوالقاسم بن زيد بيهقى (١٤١٠ق)، لباب الانساب والألقاب والأعقاب، تحقيق سيدمهدى رجاى، قم، كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى.
١٧. ابن قتيبه (١٣٩٠ق)، المعارف، چاپ محمداسماعيل عبدالله صاوى، بيروت.
١٨. ابن قتيبه الدينورى، ابو محمد عبدالله بن مسلم (١٤٠٧ق)، الإمامة والسياسة (معروف به تاريخ الخلفاء)، قم، شريف رضى.
١٩. ابن قولويه قمى، جعفر بن محمد بن جعفر، كامل الزيارات، به كوشش محمدجواد قيوى، قم، نشر الفقاهه.
٢٠. ابن كثير الدمشقى، ابوالفداء (١٤٠٧ق)، البداية و النهاية، بيروت، دارالكتب العلميه.
٢١. ابن اثير (١٣٨٥ش)، الكامل فى التاريخ، بيروت، دارصادر.
٢٢. ابوسعيد موسوى، سيدحسين (٢٠٠٤م)، المشجر الوافى، قم، موسسه عاشورى.
٢٣. اربلى، على بن عيسى (١٣٨١ق)، كشف الغمة فى معرفة الأئمة، بنى هاشمى، تبريز، چاپ اول.
٢٤. اشعري، سعد بن عبدالله (١٣٦٠ش)، المقالات والفرق، به كوشش محمدجواد مشكور، تهران، انتشارات علمى و فرهنگى.
٢٥. اصفهانى، ابوالفرج (١٣٨٥ق)، مقاتل الطالبين، تحقيق كاظم المظفر، نجف اشرف، المكتبة الحيدرية.
٢٦. اصفهانى، ابوالفرج (١٤١٥ق)، الاغانى، تصحيح عبدالله على مهنا و سمير جابر، بيروت، داراحياء التراث العربى.
٢٧. امين، سيدحسين (١٤١٠ق)، مستدركات اعيان الشيعة، دارصادر.
٢٨. امين، سيدمحسن (١٤٠٣ق)، اعيان الشيعة، به كوشش سيد حسن الامين، بيروت، دارالتعارف.
٢٩. بخارى، اسماعيل بن ابراهيم الجعفى (١٩٣١م)، تاريخ الكبير، بيروت، دارالفكر.
٣٠. بخارى، محمد بن اسماعيل (١٤٢٢ق)، صحيح البخارى، تحقيق محمد زهير بن ناصر، بيروت، دار طوق النجاة.
٣١. بخارى، ابونصر (١٣٧٦ش)، سر السلسلة العلويه، قم، انتشارات شريف الرضى.
٣٢. برقى، احمد بن خالد (١٤١٩ق)، رجال البرقى، به كوشش جواد قيوى، قم، موسسه نشر الاسلامى.

۳۳. بغدادی، اسماعیل (۱۳۸۴ق)، ایضاح المکنون فی الذیل علی الكشف الظنون عن اسامی الكتب و الفنون، بیروت، دار احیاء التراث العربی بیروت.
۳۴. بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر (۱۹۵۹م)، انساب الأشراف، تحقیق محمد حمیدالله، نجف، دارالمعارف.
۳۵. بیهقی، ابوالحسن علی بن زید (۱۴۱۰ق)، لباب الأنساب و الألقاب و الأعقاب، به کوشش سیدمهدی رجائی، قم، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی.
۳۶. پورامینی، محمدامین (۱۳۹۲ش)، بقیع الغرقد، تهران، مشعر.
۳۷. تهرانی، آقازرگ (۱۴۰۳ق)، الذریعة الی تصانیف الشیعه، بیروت، دارالاضواء.
۳۸. جعفریان، رسول (۱۳۷۸ش)، آثار اسلامی مکه و مدینه، تهران مشعر.
۳۹. جعفریان، رسول (۱۳۸۷ش)، مقالات تاریخی، قم، دلیل ما.
۴۰. حسنی، احمد بن ابراهیم، المصابیح، صنعاً، چاپ عبدالله حوثی.
۴۱. حسنی، عبدالحی بن فخرالدین (۱۳۸۲ق)، نزهة الخواطر و بهجه المسامع والنواظر، دکن، حیدرآباد، مطبعة دائرةالمعارف عثمانی.
۴۲. حضراوی، أحمد بن محمد (۱۴۰۴ق)، نزهة الفكر فیما مضی من الحوادث والعبر فی تراجم رجال القرن الثانی عشر والثالث عشر، وزارة الثقافة فی الجمهورية العربية السورية.
۴۳. حلی، نجم الدین ابوالقاسم جعفر بن حسن (۱۴۱۷ق)، المعبر المعبر فی شرح المختصر.
۴۴. خامه یار، احمد (۱۳۹۰)، زیارتگاه های اهل بیت و اصحاب ائمه علیهم السلام در سوریه، فصلنامه وقف میراث جاویدان، شماره ۷۶.
۴۵. خطیب بغدادی، احمد بن علی (۱۹۳۱م)، تاریخ بغداد، بیروت، مطبعة السعادة.
۴۶. خوبی، سیدابوالقاسم (۱۴۳۱ق)، معجم رجال الحدیث، دارالعلم، بیروت.
۴۷. ذهبی، محمد بن احمد بن عثمان (۱۴۱۰ق)، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر، به کوشش عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دار الكتب العربی.
۴۸. رازی، ابوحاتم (۲۰۰۳م)، اعلام النبوه (الرد علی الملحدا بی بکر الرازی)، بیروت، دارالساقی.
۴۹. رازی، محمدشریف (۱۳۵۲ش)، گنجینه دانشمندان، قم، کتابفروشی اسلامیة.
۵۰. راوندی، قطب الدین، سعید بن هبة الله (۱۴۰۹ق)، الخرائج و الجرائح، مؤسسه امام مهدی علیه السلام، قم، چاپ اول.
۵۱. رجایی موسوی، سیدمهدی (۱۴۰۹ق)، الكواكب المشرقة، کتابخانه آیت الله مرعشی. سید الشهدا.

۵۲. رضوی اردکانی، ابوظافل (۱۳۶۸ش)، ماهیت قیام مختار، قم مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۵۳. رفعت پاشا، ابراهیم (۱۳۷۷ش)، مرآة الحرمين (الرحلات الحجازية والحج و مشاعرة الدينية محلاه بمائة الصور الشمسية)، ترجمه هادی انصاری.
۵۴. ری شهری (۱۳۸۶ش)، دانشنامه امیر المومنین، قم، انتشارات دارالحديث.
۵۵. زبیدی (۱۴۰۹ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، به کوشش گروهی از محققان، بیروت، دارالهدایه.
۵۶. زرباطی، حسین حسینی (۱۳۸۹ش)، بقیعه الحائر فی احوال اولادالامام الباقر، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی.
۵۷. زرکلی، خیرالدین (۱۹۸۹م)، الاعلام، قاموس تراجم الرجال، بیروت، دارالعلمیه للملایین.
۵۸. سبحانی، جعفر (۱۳۴۵ق)، موسوعه طبقات الفقهاء، قم، موسسه امام صادق.
۵۹. سخاوی، شمس الدین محمد (۱۴۲۵ق)، العیس الحاوی لغرر ضوء السخاوی، مرکز بحوث و الدراسات المدینه المنوره.
۶۰. سخاوی، شمس الدین محمد (۲۰۰۷م)، التحفه اللطیفه فی تاریخ المدینه المنوره، مدینه، مرکز بحوث و الدراسات المدینه المنوره.
۶۱. سمهودی (۱۴۲۱ق)، وفاء الوفا باخبار دارالمصطفی، بیروت، دارالبيضاء.
۶۲. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (۱۴۱۵ق)، الملل و النحل، بیروت، دارالمعرفه، چاپ چهارم.
۶۳. صدوق، محمد بن علی ابن بابویه (۱۳۷۶ش)، الامالی (الامالی شیخ صدوق)، مترجم محمداقبر کمره‌ای، تهران، کتابچی.
۶۴. صفدی، خلیل بن ابیک (۱۴۲۵ق)، الوافی بالوفیات، بیروت، دار الفکر.
۶۵. ضامن بن شدقم (۱۳۷۸ش)، تحفه الأزهار و زلال الأنهار فی نسب ابناء الأئمة الأطهار، تحقیق کامل سلمان الجوری، تهران، دفتر نشر میراث مکتوب.
۶۶. طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد (۱۴۰۵ق)، المعجم الکبیر، به کوشش حمدی عبدالمجید السلفی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۶۷. طبری، محمد بن جریر بن یزید (۱۴۳۶ق)، تاریخ الطبری، بیروت، دارالتراث.
۶۸. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۵ق)، رجال الطوسی، به کوشش جواد قیومی، قم، موسسه النشر الاسلامی.
۶۹. عبدالغنی (۱۳۴۰ق)، تاریخ امراء المدینه المنوره، قم، موسسه عاشورا.

۷۰. عبیدلی، محمد بن ابی جعفر (۱۴۱۳ق)، تهذیب الانساب و نهاية الأعقاب، تعليق عبدالله الشرف حسين بن محمد المعروف ابن طباطبا، تحقيق سيدمحمد كاظم محمودی، قم، كتابخانه آيت الله مرعشی.
۷۱. عمری، ابوالحسن علی بن محمد بن علی (۱۴۲۲ق)، المعجدي في انساب الطالبين، تحقيق عارف احمد عبدالغني و عبدالله حسين السادة، بيروت، دارالكتب للطباعة و النشر و التوزيع.
۷۲. فخر رازی (۱۳۷۷ش)، الشجرة المباركة في انساب الطالبية، قم، كتابخانه آيت الله مرعشی.
۷۳. فرهاد میرزا (۱۳۶۶ش)، سفرنامه حج فرهاد میرزا معتمدالدوله، تصحيح و تحشیه غلامرضا طباطبایی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی، چاپ اول.
۷۴. فقيه بحر العلوم، محمد مهدی (۱۳۹۴ش)، تاريخ نقبای مکه و مدینه، تهران، مشعر.
۷۵. فقيه بحر العلوم، محمد مهدی (۱۳۹۵ش)، علی عریضی فرزند امام صادق، علوی بن حامد محمد بن شهاب الدین، تهران، مشعر.
۷۶. قاضی نعمان مغربی (۱۴۱۶ق)، شرح الاخيار في فضائل الائمة الاطهار، قم، موسسه النشر الاسلامی.
۷۷. قمی، محمد بن حسن (۱۳۶۱ش)، تاريخ قم، ترجمه حسن بن علی بن حسن عبدالملک قمی، تحقيق سيدجلال الدين تهرانی، تهران، توس.
۷۸. قمی، محمد بن حسن بن مجد (۱۳۹۱ش)، تاريخ قم، کنگره ملی حضرت معصومه، قم، انتشارات کریمه.
۷۹. کشی (۱۴۳۹ق)، إختيار معرفة الرجال، بيروت، مؤسسه آل البيت.
۸۰. کمونه حسینی، سيد عبدالرزاق (۱۴۱۱ق)، مشاهد العترة الطاهرة، چاپ نجف.
۸۱. کمونه، سيد عبدالرزاق حسینی (۱۳۸۸ق)، موارد الاتحاف في نقباء الاشراف، نجف، مطبعة الاداب في النجف الاشراف.
۸۲. کياء گيلاتی، احمد بن محمد بن عبدالرحمان (۱۴۰۹ق)، سراج الأنساب، تحقيق سيدمهدی رجایی، قم، كتابخانه آيت الله مرعشی نجفی.
۸۳. مامقانی، عبدالله (۱۳۷۱)، تفيح المقال في علم الرجال، قم، مؤسسه آل البيت لاحياء التراث.
۸۴. محلی، حميد بن احمد (۱۴۲۳ق)، الحدائق الوردية في مناقب الأئمة الزيدية، به كوشش مرتضى بن زيد محطوري، صنعا، مكتبة بدر.
۸۵. مدرسی (۱۳۵۹ش)، ریحانة الادب، تهران، امیر کبیر.
۸۶. مرادی حسینی، محمد خليل بن علی بن محمد بن محمد (۱۳۰۱ق)، سلك الدرر في اعيان القرن الثاني عشر، المطبعة الميرية العامرة ببولاق، دار البشائر الإسلامية، دار ابن حزم.

- ۸۷ مروزی، ابوطالب اسماعیل بن الحسین بن محمد (۱۴۰۹ق)، الفخری فی انساب الطالبیین، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی.
- ۸۸ مزى، یوسف بن عبدالرحمن (۱۹۸۵م)، تهذیب الكمال فی اسماء الرجال، به کوشش بشار عواد معروف، بیروت، مؤسسه الرساله.
- ۸۹ مستوفی قزوینی، حمدالله (۱۳۸۱ش)، نزهة القلوب، به کوشش محمد دبیر سیاقی، قزوین، حدیث امروز.
- ۹۰ مسعودی (۱۴۰۹ق)، مروج الذهب و معادن الجواهر، به کوشش یوسف اسعد داغر، قم، دارالهجره.
- ۹۱ مصعب بن عبدالله (۱۹۵۳م)، کتاب نسب قریش، قاهره، چاپ لوی پروانسال.
- ۹۲ مفید، شیخ محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم، کنگره شیخ مفید، چاپ اول.
- ۹۳ مقدم، عبدالرزاق موسوی (۱۴۲۶ق)، مقتل الحسین، بیروت، مؤسسة الخرسان.
- ۹۴ نباطی بیاضی، علی بن یونس (۱۳۸۴ق)، الصراط المستقیم إلى مستحقی التقدیم، نجف، المكتبة المرتضوية.
- ۹۵ نجاشی، رجال النجاشی (۱۴۱۸ق)، به کوشش شبیری زنجانی، قم، مؤسسة النشر الاسلامی.
- ۹۶ نجمی، محمدصادق (۱۳۸۰ش)، تاریخ حرم ائمه بقیع و آثار دیگر در مدینه منوره، تهران، مشعر.
- ۹۷ نعمانی، ابو عبدالله بن محمد بن ابراهیم (۱۴۲۲ق)، الغیبة، به کوشش فارس حسون، قم، انوار الهدی.
- ۹۸ نمازی، علامه شیخ علی (۱۳۷۸ش)، مستدرک علم رجال الحدیث، قم.
- ۹۹ نوبختی (۱۳۸۸ش)، فرق الشیعه، تهران، امیر کبیر.
- ۱۰۰ یعقوبی، اسماعیل (۱۳۷۳ق)، آشنایی با مشاهیر طالقان، انتشارات محسنی.
- ۱۰۱ یوسف البان سرکیسی الدمشقی (۱۴۴۰ق)، معجم المطبوعات العربیه والمغربیه، قم، مکتبه آیت الله مرعشی.